

باورهای دو مکتب

مروری مقایسه ای بر مسائل اعتقادی مذهب تشیع و تسنن

مردادماه ۱۴۰۵ بعثه مقام معظم رهبری در امور حج و زیارت

دکتر مسعود فکری

مفاهیم محوری:
*اندیشه
*باور
*دینی
*مذهبی
*فرقه
*اصول
*فروع
*مسائل فرهنگی

« اصل عبارت است از : اعتقاد و باوری که باورهای دیگر بر اساس آن، تبیین ، توجیه و مستدل می شود . این اصل می تواند بر گرفته شده از عقل یا نقل باشد، این اصل برای هر فرد معتقد به آن به گونه ای است که آن را به صورت قطعی پذیرفته ، تا زمانی که جایگزینی برای آن نیافته، مبنا و پایه ای برای باورهای او تلقی می شود».

اندیشه عبارت است از: معرفت و آگاهی در باب موضوعی خاص که ذهن آدمی را به خود مشغول کرده ، در دستگاه ادراکی او جای گرفته و به بیان منطقی تصدیقی است که در ذهن پایدار شده است و نگرش او را به جهان بیرونی تشکیل می دهد

منظور از شیعی در اینجا: مذهبی از مذاهب اسلامی است که مهمترین ویژگی آن پیروی از خاندان پیامبر(ص) در اصول و فروع است.

تفاوت میان باورهای مذهبی دسته‌ی اول که از آنها به اصول یاد می‌کنیم با باورهای مذهبی غیراصول، آن است که:

(۱) اصول جنبه‌ی زیربنایی دارند ولی دیگر باورها جنبه‌ی روبنایی دارند.

(۲) دسته‌ی دوم را بدون باور دسته‌ی اول، نمی‌توان پذیرفت و به آنها اعتقاد پیدا کرد، ولی دسته‌ی نخست، برخلاف دسته

ی دوم به ما کمک می‌کند از منظومه‌ی فکری و اعتقادی برخوردار شده و از این باورها دفاع کرده در باره‌ی آنها با پیروان

دیگر مذاهب وارد گفتگو شویم. این اصول شالوده‌ی اصلی تفکر مذهبی ما را تشکیل می‌دهد و از نگاه اولویت نیز باید از

همین پایه‌های عقیدتی شروع کرد

سطح بندی مباحث عقیدتی (تبیین- معتبر سازی- مدافعه)

نکته دوم در روش شناسی مباحث اعتقادی تطبیقی یا مقایسه ای، سطح بحث است. مباحث اعتقادی رادر سه سطح می توان ارائه کرد :

سطح اول، سطح عمومی است این سطح، اختصاص به کسانی دارد که اهل مطالعه و تحقیق و پژوهش نیستند. کاری که در این مرحله انجام می گیرد ، توصیف یا گزارشگری است، (تبیین)

سطح دوم از مباحث اعتقادی، سطح خاصّ است که مخاطب از شما درخواست دلیل می کند، (معتبر سازی)

سطح سوم سطح ویژه یا اخصّ است که فرد مخاطب متخصص در همین دامنۀ و عرصه از مباحث است، به عنوان مثال با دانشمندی از دیگر مذاهب اسلامی مواجه شده اید و بعد از اینکه شما دلیل خود رادر مورد عقیده ای از عقایدتان بازگو می کنید، او به نقد دلیل شما می پردازد و اشکال ها و شبهه هایی را بر آنچه شما ارائه کردید، طرح می کند. شما ناگزیرید این نقد ها و اشکالات را پاسخ دهید و باید علاوه بر آوردن دلیل، دفاع هم بنمایید، یعنی اشکالهایی را که او مطرح می کند، پاسخ دهید.

تفاوت دفاع عقیدتی با پژوهش دینی

دفاع ما در مباحث اعتقادی، دفاع متکلمان است و نگاه پژوهشگران صرف نیست. در نگاه پژوهشگران الزامی به باور خود پژوهشگر به عقیده ای که بازگو می کند نیست. صرفاً می گوید این چنین چیزی مربوط به عقیده شیعه یا مذهب دیگری است. حال من به آن باور داشته یا نداشته باشم

در دفاع متکلمان دویزگی وجود دارد: ۱) یکی این که، خودمان به آن باور داریم و تا آدمی چیزی را باور نداشته باشد، نمی تواند دفاع خوبی با همه وجود از آن بنماید

۲- دومین نکته روش متکلمان آن است که ما در روش متکلمان در صدد قانع کردن مخاطبیم برخلاف روش پژوهشگران یا گزارش گرایانه که در آن جا مطلبی را می گوئیم، چه مخاطب بپذیرد و چه نپذیرد،

چند لایه گی مباحث عقیدتی

چهارمین نکته از نکات روش شناسی مدافعه ی مذهبی آن است که مباحث اعتقادی هم چند لایه ، هم تودرتو و هم تقریباً بدون پایان هستند.

مذهب گرایی حداقلی و حداکثری

نکته ی پنجم آن است که در مباحث مناظره ای در اصول اندیشه شیعی غالباً بحث را حداقلی مطرح خواهیم کرد. ما دو نوع مذهب گرایی داریم. مذهب گرایی حداکثری و مذهب گرایی حداقلی . مذهب گرایی حداکثری، یعنی از هر عقیده و باوری که به شکل صحیح و درست متعلق به مذهب ماست، دفاع کنیم. به کار بردن قید درست از آن روست که ممکن است باورها و رفتار هایی هم آویخته و ضمیمه به مذهب شده باشد، ولی از دلایل کافی برای صحت و وثاقت و اعتبار برخوردار نباشد. پس هر آنچه که در دین و مذهب است، اگر آن را قبول کنیم و به آن پایبند باشیم و جزو فرهنگ ما درآید، دفاع از آنرا مذهب گرایی حداکثری گوییم.

همپوشانی مسائل عقیدتی

نکته ی ششم در مباحث روش شناسی عقیدتی به ویژه بحث های اندیشه شیعی آن است که این مباحث در موارد فراوانی با یکدیگر همگونی و نقطه تلاقی دارد. در مواردی ممکن است دلیلی که در یک بحث ارائه شده در مبحث دیگر هم مورد استفاده قرار گیرد.

منابع مطالعه و پژوهش های عقیدتی

نکته ی هفتم در روش شناسی مباحث عقیدتی مربوط به منابع مطالعاتی در این زمینه است که منابع از دو نظر در اینجا مورد توجه قرار می گیرد:

نخست منابعی که ما با مطالعه آنها آگاهی و اطلاعاتی در خصوص یک مسئله عقیدتی مذهبی کسب می کنیم.

و دیگر منابعی که می خواهیم به آنها مراجعه کرده تا برای اثبات دیدگاه و باور خود مستندات از آن بیاوریم.

برای استناد و ذکر منابع قابل قبول برای مخاطب ، این منابع دو قسم است: نخست منابعی برای مطالعه پژوهشگر و دیگری برای ارائه به مخاطبان.

منابع برای اقناع مخاطبان باید دو ویژگی داشته باشد:

۱- تدوین شده توسط اهل سنت بوده و از منابع ما نباشد.

۲- از منابعی استفاده کنیم که دارای اعتبار و مورد اعتماد اهل سنت باشد. از این رو می توان منابع بحث های میان مذهبی را به دو دسته

تقسیم کرد: یکی منابع مقبول و پذیرفته شده و معتبر و دیگری منابع مورد تردید و مورد نقد

پیش زمینه ی روانشناختی بحث

انسان‌ها در دین‌گرایی و دین‌پذیری چندان دنبال علت و دلیل نیستند اگر چه دین‌پذیری متعالی و کارآمد نیز مبتنی بر دین‌شناسی متقن و معتبر، پسندیده است. همین که دین برای آنها مجموعه ای سازگار و رضایت بخش باشد و در آن شرایط رشد بکنند، برای آنها قابل قبول می‌شود. اما در دین‌شناسی است که انسان‌ها دنبال دلیل و برهان می‌روند. تعداد اندکی از افراد هستند که اهل دین‌شناسی‌اند، و این به سبب یا انگیزه های خودشان یا تخصصشان، مطالعاتشان، ذهنشان است که آنها را به دنبال اعتبار سنجی عقیده شان کشانده است

رویکرد همدلانه

رویکرد دیگری در گفتگو های میان مذهبی وجود دارد که باید به آن توجه کرد. ما در مدافعه های مذهبی در صدد ویران کردن بنیانهای عقیدتی طرف مقابل و مخاطبمان نیستیم، به گونه ای که ستیز و انعطاف ناپذیری او را به دنبال داشته باشد. بلکه به نظر می‌رسد عنصر همدلی که در بحث های عقیدتی مقایسه ای میان مذاهب باید وجود داشته باشد، اهمیت خود را در اینجا نمایان می‌سازد.

فهرست مسائل اصول اندیشه ی شیعی

نخستین گام ارائه ی فهرست واره ای از مسائل اصول اندیشه شیعی است. بعد از تعریفی که از اصول گردید و مفهوم اصطلاح اصول روشن شد، می توان گفت که آنچه منظومه ی اندیشه ی شیعی را تشکیل می دهد، موضوعات عقیدتی متنوعی است که از مبدأ شناسی و توحید آغاز و تا مسائل جزئی همچون تقیه و رجعت ادامه می یابد. اما در اینجا صرفاً به عنوان نمونه به مسائلی پرداخته شده است که وجه اختصاصی مذهب شیعه در آن بر جسته است. می توان فهرست دقیقی از مسائل اندیشه و اعتقاد شیعه را در کتاب عقائد الامامیه مرحوم علامه مظفر که به اختصار اما به خوبی به آنها پرداخته است، مراجعه کرد. از میان آنها هفت مسئله وجود دارد که این هفت مسئله اندیشه های شیعی را از اندیشه های مذاهب دیگر جدا می کند و بیشتر محور مناظرات میان مذهبی قرار گرفته است. بر اساس ترتیب قرار گرفتن آنها عبارتند از: عصمت پیامبران- عدل- جبر و اختیار- امامت- مهدویت- عدالت صحابه و قرآن .

نکته اول اینکه این هفت مسئله که برخی از مسائل اصول اندیشه شیعی را تشکیل می دهند، تنها مباحث تفاوت شیعه با اهل سنت نیست.

نکته دوم: ترتیبی که در مسائل ذکر شد، ترتیب تقدّم و تأخری آنها براساس مبانی دینی است و براساس اهمیت و دامنه آنها نیست. چون مباحث مربوط به نبوت مقدم بر مباحث امامت است، اگر بخواهیم براساس دامنه و اهمیت این مسئله ها بحث کنیم، امامت مهمترین مسئله است چون بخش عمده ای از مناظرات و گفتگو های میان مذهبی را به خود اختصاص داده است.

توقف گاههای بحث

پیش از ورود به بحث، لازم به ذکر است در هر مسئله مطرح در بحث های عقیدتی مقایسه ای و تطبیقی و مناظرات میان مذهبی، باید پنج توقفگاه یا به تعبیر عربی پنج مَوْقِف پشت سر گذاشته شود؛ به عبارت دیگر در هر مسئله ی عقیدتی که به شما داده می شود، باید این پنج مرحله در مورد آن به کار گرفته شود. تا بحث در باره ی آن کامل شود:

مرحله اول تبیین است: یعنی باید نخست آن مسئله را تبیین کنیم و بگوییم که منظورمان از این پرسش چیست؟ مثلاً وقتی از اصل امامت به عنوان عقیده مان یاد می کنیم، باید بگوییم منظور ما از امامت چیست؟ آیا منظور ما از امامت، یعنی جانشینی پیغمبر(ص) فقط در اداره اجتماع یا منظور نیابتی الهی است که در آن احکامی را هم که خداوند دارد، جانشین این پیامبر(ص) مفسر و مبین آن احکام است؟ پس اولین جایگاه در یک بحث عقیدتی و کلامی و مناظرات میان مذهبی بیان مسئله و روشن کردن ابعاد آن است.

دومین گامی که باید برداریم، تبیین وجوه مشارکت و تفاوت مسئله مورد بحث است. از آنجائی که بحث های ما بحث های مقایسه ای است، باید به وجوه اشتراک و تفاوت بپردازیم. مثلاً در مورد بحث امامت، می گوییم که شیعه امامت را با ویژگی هایی می شناسد. اهل سنت هم امامت را با ویژگی های دیگری می شناسند. برای اساس برخی از این ویژگی ها میان شیعه و سنی مشترک است و یا اینکه در بین آنها دو مورد متفاوت است. این وجوه مشابهت و تفاوت بین مذاهب، روشن می کند که بحث در کجا باید متمرکز شود. از وجوه اشتراک برای همراه کردن مخاطب بهره می گیریم و تلاش می کنیم وجوه اختلاف را موجه کنیم. برای هر عقیده ای دلایل کافی و مستند آن را ارائه نمائیم.

مرحله سوم یا سومین ایستگاه در یک بحث عقیدتی مذهبی ارائه ی ادله تبیینی است. یعنی باید دلایل آن ادعا و دیدگاه را ارائه کنیم.

چهارمین ایستگاه در بحث های عقیدتی آن است که ما لوازم آن مسئله رانیز بازگو کنیم. چون هر مسئله ی نظری، لوازمی دارد که آن لوازم در بادی امر و در نگاه اول به چشم نمی آید ولی به عنوان مسائل مرتبط و در پیوند با آن، در فرآیند بحث نقش و تأثیر دارد. مثلاً در بحث علم امام یا علم انبیاء و یا عصمت امام با اینگونه لوازم مواجهیم .

مرحله ی پنجم یا آخرین ایستگاه در روند طرح مسائل عقیدتی، ارائه پاسخ متقن و منطقی به شبهه ها و ایرادها و نقدهایی است که به این دیدگاه و ادله ی آن وارد شده، و استوارسازی آن عقیده با ارائه ی پاسخ قانع کننده به آن شبهات.

چند نکته استدلالی

۱- استفاده گزینشی

۲- تاریخمندی باورها

۳- صورت بندی مسائل اعتقادی

۴- نظریه های رقیب

۵- دامنه مدافعه دینی

شبهه چیست؟

منشأ شبهات

گونه های شبهات

-ساختگی

- تحریفی

-لوازمی

-تفکیکی

-مبنایی

مهم ترین پرسش ها و شبهات نظری (اعتقادی)

۱. مذهب شیعه از چه زمانی ظهور کرده است ؟

۲. تفاوت شیعه و سنی در اعتقادات چیست ؟

۳. تفاوت شیعه و سنی در احکام عملی چیست ؟

۴. منظور از اهل بیت چه کسانی هستند ؟

۵. مهم ترین دلیل شیعه بر جانشینی علی علیه السلام چیست ؟

۶. چرا قرآن نام امامان شیعه را ذکر نکرده است ؟

۷. ماجرای غدیر خم چیست ؟ و چرا در منابع اهل سنت نیامده است ؟

۸. آیا همه مسلمانان در گذشته و حال در خطا و اشتباه بوده اند ؟

۹. در دوران ما چه نیازی به بحث از امامت وجود دارد ؟

۱۰. آیا ائمه شیعه علم غیب مطلق داشته اند ؟

۱۱. شفاعت از نظر شیعه چیست ؟
۱۲. آیا توسل به انسانها با توحید منافات دارد ؟
۱۴. آیا شیعیان علی علیه السلام را برتر از پیامبر (ص) می دانند ؟
۱۵. آیا شیعه معتقد به تحریف قرآن است ؟ مصحف فاطمه چیست ؟ قرآن علی (ع) چیست ؟
۱۶. چرا امامان شیعه برخی فرزندان خود را با نامهای صحابه نامگذاری می کرده اند ؟
۱۷. آیا میان اهل بیت و صحابه پیوندهای خانوادگی و ازدواج وجود داشته است ؟
۱۸. اگر امام علی (ع) جانشین قطعی پیامبر بود چرا از آن کناره گیری کرد ؟
۱۹. اگر معاویه فاقد مشروعیت اسلام بود چرا امام حسن (ع) با او مصالحه کرد ؟
۲۰. آیا شیعیان به قرآنی غیر از قرآن موجود با نام مصحف فاطمه یا مصحف علی (ع) قائل هستند ؟

۲۰. آیا شیعیان به قرآنی غیر از قرآن موجود با نام مصحف فاطمه یا مصحف علی (ع) قائل هستند ؟

۲۱. دلیل بر عصمت از دیدگاه شیعه چیست؟ اگر امام علی و فرزندان او معصوم هستند چرا در سخنان ایشان اظهار گناه وجود دارد ؟

۲۲. چرا علی علیه السلام خلافت خلفاء را پذیرفت

۲۳. آیا اعتقاد به ظهور مهدی (عج) عقیده اختصاصی شیعه است ؟

۲۴. چگونه می توان با وجود این تفاوتها دعوت به وحدت اسلامی کرد ؟

۲۵. تفاوت امامت و خلافت در دو مذهب در چیست ؟

۲۶. آیا تقیه به معنی نفاق در دین است ؟

۲۷. آیا شیعیان محبت اهل بیت را مجوز گناه برای خود می دانند ؟

۲۸. آیا شیعیان بدعت در دین ایجاد کرده اند ؟

۲۹. آیا دعوت و خواندن غیر خدا شرک است ؟

۳۰. با اینکه امامان شیعه از صحابه و حتی تابعین نیستند چرا اخذ به قول آنها می کنید؟

مهم ترین پرسشها و شبهات عملی

۱. چرا شیعیان به اشیاء مادی تبرّک می جویند ؟
۲. قسم به غیر خداوند و نذر برای غیر خدا چه توجیهی دارد ؟
۳. کمک طلبیدن از مردگان چه فایده ای دارد ؟
۴. آیا بزرگداشت و جشن برای اولیاء با توحید منافات دارد ؟
۵. آیا نمار خواندن بر قبرها سنت اسلامی است ؟ و بنا کردن گنبد و بارگاه بر آنها چه وجهی دارد ؟
۶. منبای مشروعیت ازدواج موقت چیست ؟
۷. آیا شیعیان به صحابه و خلفاء دشنام می دهند ؟
۸. آیا عزاداری در اسلام مشروع است ؟
۹. چرا شیعیان بر مهر سجده می کنند ؟
۱۰. چرا شیعیان در نماز دست روی دست نمی گذارند ؟
۱۱. چرا شیعیان در اذان شهادت سومی وارد کرده اند ؟
۱۲. چرا نمازها را در پنج وقت بجا نمی آورید ؟

مسئله امامت

چرا با وجود هفت مسئله اشاره شده در فهرست اصول اندیشه شیعی از موضوع امامت آغاز می کنیم؟ به این جهت که هم زمینه ی مباحث دیگر است و هم بسیار گسترده و پر مسئله می باشد و همانگونه که اشاره شد بخش مهمی از گفتگو های میان مذهبی را به خود اختصاص داده است در موضوع امامت از دو روش متفاوت می توان بهره گرفت. روش عقلی و روش نقلی. روش عقلی یعنی بررسی دلایل عقلی در لزوم تعیین و انتخاب جانشین پیامبر (ص) و روش نقلی یعنی تکیه بر آیات و روایات و استفاده از آنهادر اثبات باورهای مذهبی در مسئله ی امامت.

آیاتی که در قرآن در خصوص امامت است، بر دو دسته اند:

(۱) دسته اول آیاتی است که می تواند بحث امامت عامّه را بیان کند، یعنی اینکه جامعه نیازمند امام و پیشواست و امامت منصبی الهی است و باید امام از طرف خداوند یا پیامبر او تعیین شود. اینها بحث هایی است که مربوط به امامت به معنای عام آن است. یعنی بدون در نظر گرفتن مصداق و شخص واجد شرایط آن. در بحث امامت عامه نمی خواهیم امامت حضرت ابراهیم (ع) و یا امامت علی علیه السلام را اثبات کنیم، بلکه می خواهیم ضرورت رهبر داشتن جامعه چه به عنوان پیامبر و چه به عنوان جانشین او را تبیین کنیم.

(۲) دسته دوم آیاتی است که امامت خاصّه را بیان می کند، یعنی از رهگذر آن آیه می توان پی برد که شخص معینی امام و جانشین پیامبر است. نام او و یا وصفی از او آمده است که این وصف کاملاً منطبق بر فرد یا افراد معینی است. این آیات را ادله ی نقلی از نوع قرآنی امامت خاصّه می گویند.

بحث امامت را از روش نقلی آن آغاز می کنیم. به این جهت که اولاً: ادله نقلی تقریباً فراوان تر و متعدد تر است و ثانیاً: مخاطبان عمومی و متوسط از مذاهب دیگر آنقدر که اعتماد به نقل، یعنی روایات و آیات دارند، به تولیدات و فرآورده های عقلی و ذهنی توجه ندارند. لذا، بهتر است که بحث امامت از بُعد نقلی آغاز شود.

وجوه اهمیت اصل امامت

اولین نکته از اهمیت امامت، آنکه وضعیت هدایت و رهبری امت و مسلمانان در گذشته و حال روشن می شود. این پرسشی اساسی و زیر بنایی است که چه کسی باید جامعه مسلمانان را رهبری کند و وضعیت هدایت و رهبری معنوی و مادی جامعه ی مسلمانان پس از پیامبر(ص) چگونه خواهد بود؟ این موضوع به امروز ما نیز مرتبط می شود. چون موضوع مهدویت بر آمده از دل امامت است، به این ترتیب اگر امامت و نیاز به امام ثابت شود، نتیجه خواهیم گرفت که امروز هم جامعه ی مومنان بدون امام نیست و امروز هم امامی داریم، ولی این امام در یک شرایط، متفاوت از امامی است که در جامعه حاضر است و با مردم مرتبط است.

دومین نکته، مسئله مرجعیت علمی است. بدین معنی که ما آگاهی و معرفت و هدایت دینی خود را از کجا دریافت کنیم؟ آیا بنا بر اعتقاد اهل سنت سخنان و برداشت های صحابه و یاران پیامبر که گفتارهای او را نقل کرده اند و در ذیل آن تفسیر و برداشت خود را بر آن افزوده اند منبع ما باشد یا بنا بر دیدگاه شیعیان به سخنان خاندان پیامبر(ص) مراجعه و از تبیین آنان از قرآن و سنت و محتوای دین بهره بگیریم؟

سومین نکته، آن است که اگر ما مسئله امامت را تبیین کنیم، دو راهی که در آن راه شیعه از دیگر مسلمانان جدا شده و این تفاوت و ناهمگونی شیعه با دیگر مسلمانان را پدید آورده است، موجّه می شود. بحث امامت، بحث بایگانی شده و به تاریخ پیوسته نیست و دلیل آن دو امر است:

(۱) بحث مهدویت که مربوط به امروز ماست، مرتبط با بحث امامت است. اگر ما از امامت به عنوان جانشینی بحث می کنیم، چون امروز ما با موضوع مهدویت که نقش امام هر چند پنهان را عهده دار است، سر و کار داریم.

(۲) ناگزیر باید بدانیم سرنوشتی که مسلمانها پس از پیامبر (ص) به آن دچار شدند، پشتوانه قابل استناد و اعتمادی داشته یا نداشته است؟ این یک داور تاریخی است که بخشی از این داور تاریخی هم به درد امروز ما در بحث مهدویت خواهد خورد.

کلید واژه های بحث امامت

در مبحث امامت ، چهار کلید واژه وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد:

اولین واژه که در مبحث امامت مورد استفاده قرار می گیرد، همین اصطلاح امام است. واژه امام واژه ای قرآنی است و در قرآن چندین بار به کار رفته است.

واژه امام در فرهنگ مسلمانان به معنای جانشین پیامبر(ص) ، در دوره های بعد از ایشان متداول شده است و عمدتاً این اصطلاح ، اصطلاحی است که شیعیان به کار می برند. این کاربرد به علت رهایی یافتن از دایره ی تنگ و بسته اصطلاح خلافت است که اهل سنت به آن اعتقاد دارند و آن را به کار می برند. همچنین چون مفهومی که شیعیان برای امامت قائل هستند ، مفهومی گسترده تر از مفهوم خلافت است و جنبه ی الهی و آسمانی دارد و نه صرفاً زمینی و مبتنی بر انتخاب مردم، این اصطلاح در میان شیعیان رواج پیدا کرده است. البته این اصطلاح به معنای به کار گرفته شده در فرهنگ شیعی ریشه در گفتار های پیامبر(ص) دارد، و در سخنانی از ایشان نیز آمده است .

واژه دوم که در بحث امامت مورد استفاده قرار می گیرد، کلمه ولی امر است. کلمه ولی امر، در قرآن کریم به صورت جمع و ترکیبی آمده است، مانند آیه ی: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء/۵۳). در اینجا اولی الامر به معنای کسانی هستند که عهده دار امور انسان ها می باشند. این عهده داری اینگونه توضیح داده خواهد شد که شیعیان معتقدند عهده داری فقط مدیریت و تدبیر و انجام امور اجرائی یک جامعه نیست، بلکه هدایت معنوی و ایمانی هم که حتماً باید با پشتوانه و تأیید الهی باشد، در ولایت امر داخل می شود. البته کلمه ی ولی امر بصورت مفرد، یعنی بدون ترکیب «امر»، و به صورت «ولی» در قرآن استفاده شده و این از واژه هایی است که هم در حوزه اهل سنت و هم در حوزه شیعی به کار رفته است.

سومین اصطلاحی که در واژه شناسی مبحث امامت، مورد توجه قرار می گیرد، واژه خلیفه است. واژه خلیفه از واژگانی است که کاربرد قرآنی داشته و به معنای جانشین است و به صورت خُلَفَاء و خُلَائِف جمع بسته می شود. خدای تبارک و تعالی می فرماید: «وَ اذْكُرُوا اِنۡجَعَلْکُمْ خُلَفَآءٍ مِّنۡۢ بَعْدِ نُوۡحٍ....» (اعراف/۶۹)

چهارمین و آخرین واژه ای که کلید واژه دیگری از مباحث امامت است، اصطلاح امیرالمؤمنین است. امیرالمؤمنین، بنابر آنچه که اهل سنت نقل می کنند، اولین بار برای خلیفه ی دوم استفاده شده است. البته مبنای شیعه در کاربرد این اصطلاح برای علی علیه السلام بنا بر روایات فراوانی کاملاً متفاوت با این دیدگاه است

تفاوت های مبنایی در موضوع امامت

در مسئله امامت میان شیعیان و اهل سنت در سه محور تفاوت وجود دارد:

این سه محور عبارتند از مشروعیت، کارکرد و افضلیت

۱) اولین محور تفاوت مبنای مشروعیت است. اهل سنت برای اثبات تعیین جانشین پیامبر(ص) نیازی به ارائه دلیل نمی بینند. یعنی اینکه آنچه پس از پیامبر(ص) اتفاق افتاده مبتنی بر دلیلی که پیش از آن از ایشان صادر شده باشد، نیست.

بعد دیگری که بر این موضوع سایه می افکند، اینکه برای امامت و تعیین فردی به عنوان جانشین پیامبر(ص) دلیلی از طرف خدا و بیان شده توسط پیامبر(ص) نیست و انتخاب این جانشین امری کاملاً بشری و انسانی است.

در این عرصه مبنای شیعه با اهل سنت دو تفاوت دارد:

نخست آنکه ما معتقدیم برای امامت و جانشینی باید دلیل مستندی وجود داشته باشد و همین مسئله روش کار ما را در مقابل آنها دشوار و در عین حال معتبر کرده است، چون آنها بر آنچه اتفاق افتاده و روی داده است، دلیلی نیاز ندارند و می گویند شما بر آنچه اتفاق نیفتاده است و به اعتقاداتان می بایست رخ دهد، مثلاً اینکه می بایست علی(ع) پس از پیامبر(ص) به حاکمیت برسد، دلیل خود را بازگو نمایید. بر این اساس با دو مدعا مواجهیم:

اولاً اینکه اهل سنت می گویند آنچه اتفاق افتاده است بهترین حالت بوده است. ثانیاً آنچه که اتفاق افتاده است، بر مبنای جبر که آنان بدان معتقدند دلیل نمی خواهد به بیان دیگر نیاز به نص و دلیلی بر تعیین جانشین از طرف خداوند نیست. شیعه باید بر مدعای خود و بر آنچه که اتفاق نیافتاده است دلیل بیاورد.

فرآیند انتخاب جانشین پیامبر از دیدگاه اهل سنت

همانگونه که گذشت و بر مبنای بی نیازی از تعیین الهی و ارائه دلیلی بر تعیین جانشین پیامبر (ص)، اهل سنت جانشینی پیامبر (ص) را امری زمینی و بشری می دانند، پس لازم است به فرآیندی که آنها برای انتخاب خلیفه قائل اند، مراجعه کرد. در نظر اهل سنت مجموعه ی روشهای انتخاب خلیفه و مکانیسم هایی که آنها را ملزم به پذیرش مشروعیت انتخاب خلیفه می کند، سه تا است:

(نخستین فرایند در تعیین جانشین پیامبر بر مبنای اهل سنت انتخاب اهل حلّ و عقد است.

۲_ مکانیسم یاساز و کار دوم، وصیت است یعنی خلیفه ای که خود اینگونه مشروعیتی را از فرآیند نخست اشاره شده یعنی شورا یا اهل حل و عقد کسب کرده، فردی را به عنوان جانشین خود انتخاب کند.

ساز و کار سوم: اقبال عمومی است. یعنی به جای اینکه اهل حل و عقد بخواهند در موضوع انتخاب جانشین پیامبر (ص) و رهبر جامعه تصمیم بگیرند، مردم تمایل خودشان را به انتخاب ولی امر و اداره کننده ی جامعه نشان بدهند

نکته ای که در اینجا باید به آن توجه کرد، آن است که هر سه فرآیندی که در اینجا اشاره شد، روش ها و فرایندهایی انسانی هستند. خصوصیت مکانیسم های انسانی این است که متغیر هستند، یعنی ممکن است تحت شرایطی عوض شود

۱- نخستین ویژه گی این فرآیند ها آن است که اهل سنت آنها را برای خلفاء لازم، ضروری و معتبر میدانند در حالیکه پیامبر (ص) که در مقام مسئولیت به مراتب مهم تر و برتری نسبت به آنان بوده به زعم آنان چنین کار و تصمیم و انتخابی را برای پس از خود انجام نداده است.

۲-دومین خصوصیت این فرآیند ها آن است که مقرون به خطاست.اهل سنت خطا پذیر بودن این روشها را اینگونه تعبیر وتوجیه می کنند که چون در نهایت چیزی اتفاق می افتد که خدا می خواهد،پس انتخاب درستی بوده است،به ویژه در دوره ی بعد از پیامبر(ص) که صحابه هنوز هم در جامعه حضور دارند و آنان هم عمل صحابه را به عنوان ملاکی معتبر برای حُجّیت و اعتبار رفتارهای مسلمانان دیگر تلقی می کنند.این احتمال خطا از نگاه آنان قابل چشم پوشی است ویا اصلاً احتمال خطا منتفی می شود

ویژگی های امام از نگاه شیعه

دومین وجه تفاوت شیعیان با اهل سنت در دایره ی کارکرد امامت است.

از نگاه شیعیان امام(ع) واجد ویژگی هایی است:

۱) اولین ویژگی امام عهده داری مرجعیت دینی است.

۲) دومین ویژگی امام ولایت معنوی اوست

۳- سومین ویژگی امام، رهبری سیاسی است.

سومین وجه تفاوت میان شیعیان و اهل سنت در بحث امامت، افضل بودن است. اهل سنت معتقد به این نیستند که امام باید افضل انسانها یا روزگار خود باشد و علت این خصوصیات و دیدگاه به تعریفی بر می گردد که آنها از امام ارائه کردند. اگر تعریف آنها که نگاهی کاملاً بشری است، پذیرفته شود، لزومی برای افضلیت نخواهد بود.

ما بر اساس دو مبنا معتقدیم به اینکه امام(ع) باید افضل باشد:

۱- یکی مبنای عقلی، به این ترتیب که هر که افضل باشد، و صفات کاملتری در او باشد، احتمال خطا کردن او و احتمال به انحراف رفتن او و به تبع آن آسیب رسیدن به هدایت جامعه کمتر خواهد شد و هر چه این نسبت کوچکتر شود یعنی افضلیت کاهش یابد، احتمال خطا بالاتر و احتمال گمراهی پیروان بیشتر خواهد شد و این اصل بدیهی عقلی است.

۲- دلیل دوم این است که این همه سخنانی که پیامبر(ص) درباره افضلیت اهل بیت، به صورت عام و برای برخی از افراد از جمله علی(ع) به صورت خاص فرموده اند، در مورد دیگران این فضیلت ها را برنشمرد و چنین اوصافی را بازگو نکرده اند. پیامبر(ص) از این سخنان چه هدفی داشته است؟

دسته بندی طیف مسلمانان در نسبت با اهل بیت(ع)

مسلمانان را در مقام نگرش آنها به اهل بیت علیهم السلام می توان به چهار دسته تقسیم کرد:

نخست کسانی که آنان را افرادی معمولی دانسته و فضیلت ویژه ای برای آنان قائل نیستند. ناصبیان و متعصبان از اهل سنت در این گروه قرار می گیرند که البته در گذشته و اکنون شمار قابل توجهی ندارند.

دوم کسانی هستند که آنان را دارای فضیلت دانسته اما از این که میان آنان و صحابه رتبه بندی کرده و برخی را برخی دیگر تفضیل و برتری دهند، پرهیز می کنند و بر اینکه همگی (حتی اگر قاتل و مقتول یکدیگر بوده اند) داخل در رحمت الهی هستند، تأکید می ورزند. بسیاری از مسلمانان با سطح آگاهی پایین و متوسط در این دامنه قرار می گیرند.

دسته سوم کسانی هستند که فراوانی فضائل اهل بیت را موجب افضلیت آنان دانسته، میان فضیلت و افضلیت برای آنان ملازمه ای میدانند. بسیاری از عالمان منصف و آشنا با منابع میراث اسلامی در این دسته قرار می گیرند. هرچند آنان افضلیت را مستلزم احقیت و شایستگی اهل بیت برای جانشینی بلا فصل پیامبر(ص) نمی دانند.

دسته چهارم علاوه بر افضلیت اهل بیت اعتقاد به احقیت آنان برای عهده داری مسئولیت جانشینی پیامبر را داشته میان افضلیت و احقیت رابطه ی مستقیمی را باور دارند. هرچند مبنای اصلی آنان در این مدعا وجود نص بر تعیین امام است. اگر چه همواره نص بر تعیین امام با افضلیت او تقارن دارد. شیعیان در این گروه قرار دارند.

مبنای نگرش شیعه در خصوص مشروعیت انتخاب امام

در موضوع امامت نگرش شیعیان با اهل سنت سه تفاوت دارد:

(۱) از دیدگاه شیعه امامت حتماً باید مستند و مبتنی بر نص باشد. نص یعنی دلیل روشن و واضحی که به عنوان سندی از طرف خداوند و از طرف پیامبر (ص) یا امام (ع) بر موضوعی ارائه می شود. از نظر لغوی نص متنی را گوئیم که وضوح کامل معنا و مقصود داشته، در مدلول و معنای آن تردیدی نباشد (هرچند اعتبار سندی متقن آن نیز لازم است).

(۲) دومین جهت تفاوت شیعه با اهل سنت، در دایره ی کارکرد امامت است.

سومین وجه تفاوت میان شیعیان و اهل سنت در بحث امامت، افضل بودن است. اهل سنت معتقد به این نیستند که امام باید افضل انسانها یا روزگار خود باشد و علت این خصوصیات و دیدگاه به تعریفی بر می گردد که آنها از امام ارائه کردند.

نظریه های مشروعیت بخشی جانشینی پیامبر(ص) در دیدگاه اهل سنت

۱-نظریه ی نماز(امامت خلیفه ی اول بر مردم به جای پیامبر(ص))

۲-نظریه ی صحبت (همراهی خلیفه ی اول با پیامبر(ص) در غار)

۳-نظریه ی قرابت(خویشاوندی خلیفه ی اول و دوم با پیامبر (ص))

۴-نظریه ی کبر سن و یا آشنایی با دانش انساب(کهنسالی و مسن تر بودن خلیفه ی اول)

۵-نظریه ی افتراض(فرضیه ی عائشه که اگر پیامبر(ص) کسی را به جانشینی خود انتخاب می کرد ابوبکر بود)

۶-نظریه ی تخی(یعنی واگذار نمودن امر جانشینی به مردم مبتنی بر سخن خلیفه ی دوم)

الف-دلائل قرآنی امامت

آیات قرآن پیرامون بحث امامت را می توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱) دسته ی نخست آیات محوری هستند، یعنی آیاتی که محور بحث آنها امامت است و به موضوع امامت به صورت مستقیم پرداخته شده است، مانند آیه ی ولایت: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده/۵۵)، که این آیه صریح در امامت است و جزء دسته ی آیات محوری است.

۲) دسته ی دوم آیات استنباطی است یعنی آیاتی است که از آنها می توان ویژگی هایی را برای امام استنباط کرد و از آنها برای اثبات امامت استفاده کرد مانند آیه: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء/۵۹) که این آیه استنباطی است، یعنی در اینجا باید مشخص شود که اولی الامر چه کسانی هستند؟

۳) دسته ی سوم آیات فضیلتی هستند. یعنی آنها در صدد این نیستند که بخواهند امامت را اثبات کنند، اما فضیلتی از فضائل را برای فردی و یا همه ی اهل بیت اثبات می کنند و بر این اساس گفته می شود که چون اینها مجموعه ی فضائلشان از دیگر انسانها بیشتر است، اینها بر سایرین مقدّمند.

روش بهره گیری از آیات قرآن در بحث امامت

در استفاده از آیات قرآن ناگزیر باید مراحل زیر را پشت سر بگذاریم :

الف- انتخاب آیه ی مرتبط

ب- تبیین مفردات آیه

ج- بیان شأن نزول و سبب آن

د- تبیین پیام آیه

ه- استخراج نکات محوری آیه

و- صورت بندی استدلال بر مدعا بر اساس مفاد آن

ز- پاسخ به نقد و اشکالهای احتمالی

منابع مطالعاتی:

الف- اصلی:

۱- در جستجوی حقیقت/مسعود فکری/ مشر مشعر

۲- راهنمای حقیقت/جعفر سبحانی/نشر مشعر

ب- جانبی:

۱- اصل الشیعه و اصولها- محمد حسین آل کاشف الغطاء/ترجمه مکارم شیرازی

۲- عقاید الامامیه/ محمد رضا المظفر

۳- معالم المدرستین/سید مرتضی عسکری ۳ جلد

۴- شیعه در اسلام/ علامه سید محمد حسین طباطبائی

۵- تاریخ الشیعه- محمد رضا المظفر

۶- هویه التشیع- احمد الوائلی

۷- اهل بیت (ع)- سید محسن امین عاملی- ترجمه محمد سپهری